

۲۳- (Shaul Bakhash) استاد تاریخ دانشگاه

جورج میسون .

۲۴- (Gregory Gause) استادیار علوم سیاسی

دانشگاه ورمونت .

۲۵- (Mary-Jane Deeb) استاد روابط بین الملل

دانشگاه آمریکن در واشنگتن .

۲۶- ص ۳۰۳ .

۲۷- (Ann Mosely Lesch) استاد علوم سیاسی در

دانشگاه ویلانووا .

۲۸- ص ۳۲۶ .

۲۹- (Don Peretz) استاد دانشگاه بینگهامپتون .

۳۰- (Robert Freedman) استاد علوم سیاسی و رییس

دانشگاه بالتیمور .

## در رویارویی با بحران زمانه

سمیر امین ، فی مواجهه از مة عصر نا، سینا للنشر ،

قاهره ۱۹۹۷، ۲۸۸ ص .

بررسی کننده: مهدی قویدل دوستکوهی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل

دانشگاه شهید بهشتی

سمیر امین در کتاب « در رویارویی با

بحران زمانه ما » در دو بخش اقتصادی و

سیاسی - ایدئولوژیک چالشهای اقتصادی و

سیاسی در جهان و دنیای عرب را مورد

بررسی قرار داده است. در مقدمه کتاب وی

مشکلات اقتصادی جهانی را در کاهش نرخ

رشد، افزایش نرخ بیکاری، تشدید وخامت

پدیده فقر و وخامت پروژه های توسعه در چهار

دهه پس از جنگ دوم جهانی می بیند. از نظر

نویسنده کاهش مشروعیت رژیمهای

حکومتی و در برخی موارد فروپاشی این

مشروعیت به نحوی که منجر به فروپاشی

جامعه می شود از ابعاد سیاسی این مشکلات

است. جهان وارد یک مرحله بحرانی

ساختاری شده که هنوز از آن خارج

نشده است.

فروپاشی سه گانه دولت رفاهی،

که منظور وی از «جذب» پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی است که در تشدید مداوم شکاف بین کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و کشورهای جهان سوم متجلی است. این شکاف شامل تفاوت روزافزون در سطح تولید و سطوح زندگی و فاصله‌های تکنولوژیک و انواع دیگر نابرابری است. سرمایه‌داری در زمینه‌های تکنولوژی‌های نوین، تحولات مالی در سطح جهانی، تصمیم‌گیری در استفاده از منابع طبیعی در سطح جهانی، استفاده از رسانه‌ها و وسایل ارتباطی و در زمینه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی هسته‌ای و متعارف حرف اول را می‌زند.

در فصل دوم تحت عنوان «نهاد‌های برتون و وودز»، ۵۰ سال پس از تأسیس «نویسنده از مؤسسات مالی بین‌المللی یعنی صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و گات (جدیداً سازمان تجارت جهانی) بخاطر این که دست کم تا سال ۱۹۸۰ صرفاً به توسعه جهانی سرمایه‌داری پرداخته است انتقاد می‌کند. موسسات برتون و وودز<sup>۱</sup> در تعامل با کشورهای بزرگ سرمایه‌داری عاجز بوده و نوعی محافظه‌کاری از خود نشان

شوروی و دولت ملی، شرایط مناسبی را برای بازگشت به حکومت بلامنازع سرمایه فراهم کرده است. منطق حکومت یکجانبه سرمایه نیز به نوبه خود بحران‌زا است. در زمینه اقتصادی، بحران در سودهای ناشی از سرمایه‌داری متجلی است. برای این سودها باید راه‌های کافی خروجی جهت سرمایه‌گذاری سودآور پیدا شود. این مدیریت بحران اقتصادی یک اقدام سیاسی مناسب را به عنوان پشتیبان لازم دارد. در زمینه سیاسی استعمار سعی می‌کند توانایی دولت‌ها را برای مقابله با حمله به قوانین بازار از بین ببرد لذا استعمار با درخواست‌ها و تقاضاهای قومی، فرهنگی و تنش‌های نژادی و دینی بازی می‌کند تا دولت‌ها را از هم فرو بپاشد و آنها را در برابر حکومت بازار به دولت‌های کوچک تبدیل کند.

بخش اول کتاب که به ابعاد اقتصادی بحران جهانی می‌پردازد شامل شش فصل و بخش دوم کتاب که به ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک بحران جهانی می‌پردازد فصل هفتم تا دوازدهم را در بر می‌گیرد. در فصل اول تحت عنوان «پدیده جذب جدید (سرمایه‌گذاری)» نویسنده متذکر می‌شود

داده است، ثمره این عمل، تشدید فقر است، سمیر امین معتقد است که نهادهای برتون وودز بر اساس اصل چیرگی آمریکا در اداره آنها تاسیس شد. در ترسیم سیاست‌های پولی جهانی صندوق تصمیم‌گیرنده نیست. بلکه گروه هفت شامل کشورهای آمریکا، ژاپن، انگلیس، کانادا، فرانسه، ایتالیا و آلمان صاحب اختیار هستند.

در فصل سوم تحت عنوان «جهانی شدن: پرده‌ای که سرمایه‌داری هجومی در پشت آن کمین کرده است» نویسنده معتقد است که جهانی شدن یک پدیده جدید در تاریخ سرمایه‌داری نیست بلکه طی سالهای گذشته وارد مرحله جدیدی از توسعه خود شده است. جهانی شدن باعث فرسایش توانایی دولت ملی در مدیریت اقتصاد ملی می‌شود ولی جهانی شدن جدید دولت را ملغی نمی‌کند. سمیر امین معتقد است که مفهوم جهانی شدن هنوز مبهم است.

فصل چهارم تحت عنوان «مفهوم بحران اقتصادی» به بحران اقتصادی در نظام نوین سرمایه‌داری می‌پردازد و فصل پنجم «بحران توسعه در جهان عرب» را

بررسی می‌کند.

کشورهای عربی طی ۲۵ سال اخیر در ادغام در گروه‌های سرمایه‌داری جهانی به طوری که زمینه تولیدی روزافزون در داخل فراهم شود، شکست خوردند. نرخ رشد در کشورهای عربی بجز تا حدودی در کشورهای خلیج فارس و لیبی کاهش یافت. تمام کشورهای عربی از بیماری مزمن مشترک یعنی ضعف کارایی سرمایه‌داری رنج می‌برند. به عنوان مثال نرخ رشد در تونس بطور متوسط در سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۴ به میزان ۹ درصد بود و طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ به ۳ درصد کاهش یافت.

رویدادهای سیاسی مهم نیز در دگرگونی توسعه اقتصادی در کشورهای عربی نقش داشت. مثل جنگ خلیج فارس برای عراق و اردن و تحریمهای لیبی. نویسنده معتقد است که استراتژی ایالات متحده در منطقه نخست بر جدایی منطقه نفتی خلیج فارس از بقیه جهان عرب، دوم جدایی مغرب عربی از مشرق و سوم ادغام اقتصادی اسرائیل و سرزمینهای اشغالی، اردن، سوریه و مصر استوار است.

در فصل ششم تحت عنوان

«شرایط توسعه» نویسنده معتقد است که توسعه در شرایط فعلی از اولویت های رهبران نیست زیرا دولت های غربی به «مدیریت بحران» مشغولند و دولت های سابقاً سوسیالیست در حال گرایش به سرمایه داری هستند، کشورهای آمریکای لاتین، جهان عرب و افریقا گرفتار بدهیهای خارجی هستند ولی آسیایی ها نگران توسعه پرشتاب اقتصادی خود هستند. البته در چین و شرق و جنوب شرقی آسیا و هند این نگرانی است. این در حالی بود که طی سه دهه پس از جنگ دوم توسعه در سراسر جهان جهانی در اولویت قرار داشت.

هم اکنون حکومت ها از بحران رنج می برند. منظور از بحران وضعیت یک جامعه است که قادر به پاسخگویی به تمایلات اکثریت، بدون دست کشیدن از اصول نیست. لذا جوامع به اصلاحات مهم نیاز دارند.

فصل هفتم تحت عنوان «یوتوپیا<sup>۲</sup> در جامعه و در اندیشه» ارائه شده است. نویسنده یادآوری می کند که توماس مور فیلسوف انگلیسی از واژه یوتوپیا برای اشاره به یک جامعه نمونه که وجود ندارد استفاده

کرد. امروزه هرگونه فکر و پیشنهادی که با واقعیت موجود سازگاری ندارد محال دانسته می شود. اما تاریخ عکس این امر را نشان داده است. به عنوان مثال اگر در قرن ۱۳ میلادی در اروپا، شرق اسلامی و چین کسی بر اساس اصل آزادی فردی انتخابات را برای گزینش اعضای یک نهاد حکومتی مطرح می کرد یوتوپیا به نظر می رسید ولی هم اکنون امری طبیعی است.

در فصل هشتم تحت عنوان «پیرامون مفهوم قومیت» نویسنده متذکر می شود که قومیت یک واقعیت تاریخی دارای وجود حقیقی و کارآمد است و نشانه ها و تاثیرات آن در تمام سطوح زندگی اجتماعی ملت ها مشاهده می شود. نویسنده با اشاره به فروپاشی یوگسلاوی معتقد است قومیت باعث جمع شدن گروه خاص در مرزهای مشخص می شود ولی بحرانی در داخل یوگسلاوی با حمایت خارجی بوجود آمد که طی آن قومیت های گوناگون تا حد شوونیسم احیاء شدند.

فصل نهم تحت عنوان «فروپاشی یوگسلاوی به نفع چه کسی است؟» به مسئله قومیت در یوگسلاوی پرداخته است. نویسنده

معتقد است عدم توسعه اقتصادی و تقسیم ناپیدای یوگسلاوی به دو بخش مناطق دارای گرایشات مربوط به امپراطوری اتریش - مجارستان و بخش دارای گرایشات مربوط به امپراطوری عثمانی، نقش مهمی در عدم ایجاد یک قومیت واحد در یوگسلاوی شد. نویسندگان به نقش رسانه های جمعی در بازی با برگه «حق قومیت» در فروپاشی یوگسلاوی اشاره می کنند. نویسندگان معتقد است که فروپاشی کشورهای چندقومی در بلوک شرق سابق نتیجه تقابل استراتژیهای تعصب آمیز و تحجر گونه محلی با طرحهای استعمار است و نه نتیجه خودکار احساسات قومی.

نویسنده کتاب «در رویارویی با بحران زمانه» در فصل دهم تحت عنوان «تجزیه اتیوپی به نفع چه کسی است؟» یادآور می شود که در ژانویه ۱۹۹۳ دانشجویان در آدیس آبابا در اعتراض به طرح تقسیم اتیوپی به دولت های نژادی تظاهرات کردند ولی از سوی نیروهای امنیتی به گلوله بسته شدند. رسانه های گروهی جهانی که نسبت به دفاع از دموکراسی و حقوق بشر در سراسر جهان مباحثات می ورزند حتی یک کلمه از این

حادثه را منتشر نکردند. نویسندگان نقش استعمار را در احیای قومیت اریتره ای و مالاً تجزیه اتیوپی برجسته می دانند.

در فصل یازدهم تحت عنوان «مشکل فلسطین و خاورمیانه جدید» نویسندگان امضای موافقتنامه ساف با اسرائیل در سال ۱۹۹۳ را یک پیروزی برای اسرائیل و شکست برای طرف فلسطین و عربی می دانند. نویسندگان اشاره به مراحل که قبل از امضای موافقتنامه اسلو وجود داشت یادآور می شود که این موافقتنامه در شرایطی امضاء شد که موازنه قوا در منطقه بهم خورده بود. تاریخ به ما آموخته است که موافقتنامه ها قابل تغییر هستند و مفاد و محتوای آنها بستگی به تحولات مربوط به موازنه قوا دارد و موافقتنامه اوت ۱۹۹۳ از این قاعده مستثنی نیست. نویسندگان خواهان مبارزه برای تشکیل دولت فلسطین در تمامی سرزمینهای اشغالی از جمله بیت المقدس شرقی، بازگشت آوارگان فلسطینی، ایجاد یک اقتصاد محلی فلسطینی و بازگشت جولان به سوریه و تخلیه جنوب لبنان می شود. او با اشاره به تر خاورمیانه جدید شیمون پرز، یادآور می شود که هدف ایجاد

بازار مشترک خاورمیانه تجزیه جهان عرب به سه بخش است: نخست مغرب عربی به عنوان تابعی از اتحادیه اروپا، دوم خلیج فارس که تحت کنترل نظامی مستقیم امریکا قرار می‌گیرد و سوم خاورمیانه «کوچک» که به اسرائیل، فلسطین، لبنان، اردن، سوریه و مصر محدود می‌شود. سمیر امین مقابله با این طرح را ممکن می‌داند.

نویسنده در فصل دوازدهم و آخرین فصل تحت عنوان «تشکیل مجدد چپ: مصری و عربی» با اشاره به افزایش نرخ بیکاری و کاهش نرخ رشد در سرمایه‌داری جهانی متذکر می‌شود که سرمایه‌داری از ۲۵ سال پیش تا کنون با بحران شدیدی مواجه است. ولی این بحران در افریقا و جهان عرب شدیدتر است. انتظار می‌رفت که بازگشت نظام سرمایه‌داری به یک وضعیت بحرانی، دوره جدیدی را برای تیروهای جهانی چپ بوجود آورد. ولی عکس قضیه اتفاق افتاد. نویسندگان چند علت را برای این مسئله ذکر می‌کنند که یکی از آنها به وهم و خیال چپ برمی‌گردد. در غرب پیشرفته، چپ یعنی سوسیال دموکراسی خود را برای دگرگونی وضعیت و بازگشت به حالت

بحرانی نظام آماده نکرد. زیرا بحران را واقعی فرض نمی‌کرد و آن را موقت می‌دانست. در بیشتر کشورهای جهان سوم و جهان عرب این وهم و خیال به گونه‌ای دیگر بود و آن توهم توسعه در چارچوب طرح بورژوازی ملی با هدف تکمیل استقلال سیاسی از طریق نوسازی جامعه و نوسازی اقتصادی بود تا کشورهای عربی بطور برابر وارد نظام سرمایه‌داری شوند. هر چند این طرح در زمینه سیاسی یعنی تقویت استقلال ملی یا اجتماعی و... دستاوردهای مهمی داشت ولی باعث الحاق به جوامع بسیار پیشرفته نشد. نویسندگان شروط بازسازی چپ عربی را نخست ائتلافهای اجتماعی مردمی بجای ائتلافهای کمپرادوری موجود، دوم ایجاد نهادهای دموکراتیک، سوم گشایش فرهنگی<sup>۳</sup> و تفسیر مجدد رابطه دین و دولت با توجه به نیازهای توسعه و دموکراسی چهارم وحدت عربی به عنوان شرط ضروری مقابله با چالشها و پنجم تلاش برای بنای جهانی چندقطبی برمی‌شمارد.

در مجموع با بررسی فصول کتاب چند نکته قابل تامل است. اول این که مخاطبان اولیه کتاب، جهان عرب است و نویسندگان

## تأملی بر اقتصاد عراق و منطقه خاورمیانه

عادل عبدالمهدی، تأملات فی الاقتصادین العرافی و الافلیمی بنک المعلومات العرافی  
سال ۲۰۰۰، ۱۶۶ ص.

اسراء متهجد عسکری، کارشناس مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

کتاب شامل سه فصل است که نویسنده فصل اول کتاب را به مقدمه

(تاریخچه) پیدایش استعمار و موقعیت

کشورهای اسلامی بویژه منطقه خاورمیانه

اختصاص داده است. در فصل اول کتاب

آمده است: کشورهای اسلامی پیوسته شاهد

کشمکشهای بسیاری بوده و هستند در

حالی که دیگر مناطق از آرامش و هماهنگی

خاصی برخوردار می باشند. خاورمیانه به

دلیل موقعیت خاص استراتژیک و ژئوپلیتیک

آن از ابتدای قرن بیستم تاکنون مورد توجه

بوده است. در طول سالهای متمادی

قرن گذشته کشورهای اسلامی در حال

فروپاشی و از هم گسیختگی بسر می بردند.

دولت عثمانی در اوایل این قرن بیستم بخش

عظیمی از اراضی خود را از دست داد و به

خواهان نوعی تجدید نظر جهان عرب به مواضع گذشته، درس گرفتن از اشتباهات و تلاش مجدانه برای دفع تهدیدهایی است که اعراب با آن مواجه هستند. دوم این که نویسنده رهایی کشورهای جهان سوم و جهان عرب از نسخه های لیبرالیستی را برای توسعه اقتصادی و سیاسی لازم می داند. سوم اینکه جهان عرب برای خروج از بن بست های موجود باید به یک قطب قوی تبدیل شود.

### یادداشت ها:

۱- پس از بحران مالی ۱۹۲۹ و خرابی های جنگ جهانی دوم، از اوایل دهه ۱۹۴۰ تلاشهای وسیعی برای برقراری یک نظام پولی و مالی پایتبات به عمل آمد. نطفه تاسیس یک سازمان بین المللی که تهیه و تدوین مقرراتی فراگیر راجع به تجارت و مالیه بین المللی را در اختیار بگیرد در کنفرانس برتون و وودز در ایالت نیوهمپشایر آمریکا بسته شد. نتیجه مذاکرات ژوئن ۱۹۴۴ تاسیس صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بود.

۲- الطوباویه

۳- الانفتاح الثقافی